

به دنبال «ع» «ش» «ق»

«عشق»، نیروی فعال بشری است؛ نیرویی است که مانع‌های بین انسان‌ها را می‌شکند و آنان را با یکدیگر پیوند می‌دهد؛ انسان را بر احساس انزوا و جدایی، چیره می‌سازد؛ امکان می‌دهد که خودش باشد و هم‌سازی شخصیت خود را حفظ کند. در عشق، تضادی جالب روی می‌دهد. عاشق و معشوق، یکی می‌شوند و در عین حال، از هم جدا می‌مانند. عشق، جلوه‌های گوناگونی دارد که شامل دل‌سوزی، احساس مسؤلیت، احترام و دانایی است. قراردادن مرد و زن در دو قطب جنسی مختلف، انسان را به جست‌وجوی پیوندی مشخص، یعنی وصل با جنس مخالف سوق می‌دهد. اصول دوقطبی بودن مذکر و مؤنث، در درون هر مرد و زنی وجود دارد؛ یعنی زن و مرد از نظر فیزیولوژیکی دارای هورمون‌های جنس مخالفاند و از نظر روانی نیز، هریک حالت‌های جنسی متفاوتی دارند. بیشتر مردم تصور می‌کنند علت عشق، وجود معشوق است، نه استعداد درونی؛ درحقیقت فکر می‌کنند که چون هیچ‌کس دیگری را جز معشوق دوست ندارد، این خود، دلیلی بر شدت عشق‌شان است؛ اما این یک اشتباه است، زیرا عشق، نوعی فعالیت و توانایی روح است؛ بنابراین عشق، نوعی جهت‌گیری است که هدفش همه‌ی مردم است نه یک‌نفر.

یکی از انواع دسته‌بندی‌های عشق به این شرح است:

- ۱) **عشق افلاطونی:** که به آن عشق پاک یا ایده‌آل گویند. بین دو شخص، جذب و کششی بدون رابطه‌های جنسی به وجود می‌آید؛ مبنای عقلی و عملی نداشته و تخیلی است. در «عشق افلاطونی»، قیده‌های اخلاقی، مذهبی و اجتماعی، مانع از انجام رابطه‌های جنسی می‌شود.
- ۲) **عشق خیالی:** بیشتر نزد دختران دیده می‌شود و موجب علاقه‌ی آنان به ستارگان سینما و یا قهرمانان داستان‌ها می‌شود.
- ۳) **عشق شاعرانه:** عشقی که به واسطه‌ی مانع‌های اجتماعی، اخلاقی و یا قانونی، دست عاشق از معشوق کوتاه است؛ در این حالت، عاشق که دارای طبعی لطیف و فکری بدیع است، در قالب اشعار موزون و دلچسب، از بی‌اعتنایی معشوق، رنج می‌برد.

پیدایش عشق به دو گونه است:

- ۱) **عشق با یک نگاه (عشق ناگهانی):** در این حال، ابتدا شخص، تصورها و تخیل‌های ذهنی و ایده‌آلی از یک موجود، در شعور باطنی خود داشته و بعد، به دلیل برخورد با شخصی که با تصورها قبلی او هماهنگی دارد، عشق ناگهانی ایجاد می‌شود؛ اما به دلیل عدم هماهنگی اخلاقی، کم‌دوام است.
- ۲) **عشق تدریجی:** این عشق در اثر تفاهم و تجانس اخلاقی و در اثر معاشرت و آشنایی حاصل می‌شود و بادوام، آرام و منطقی است. شاید کامل‌ترین نوع عشق، «عشق تدریجی» در پی یک عشق ناگهانی باشد. جاذبه‌ی عشق می‌تواند تحت تأثیر حواس قرار گیرد. تحت تأثیر «حس بینایی» که شامل طرز لباس پوشیدن و آرایش، طرز رفتار و ژست‌ها، حرکت‌های موزون و نگاه باشد. تحت تأثیر «حس شنوایی» که گاه در صحبت‌های تلفنی ایجاد می‌شود؛ زیرا «صدا»، عامل محرک است. تحت تأثیر «حس بویایی»، بوی عطر و ادکلن، سیگار و حتی بوی بدن ایجاد می‌شود و سرانجام «حس چشایی» و «لامسه» نیز، هر کدام می‌تواند عامل محرک این جذب باشد.



مهندس مرجان نقوی